

Investigating the effects of stability in the poems of Sepideh Kashani and Mahin Dokht
Vahidi

Abstract:

Sustainability literature reflects the steadfastness and bravery of a nation or people in the face of any aggression and oppression, as well as highlighting human messages such as freedom and justice, justice, oppression, patriotism, self-sacrifice and perseverance. This type of literature, the poet and the writer seeks a language that speaks to all the people of the world, so it internalizes the human messages of an event such as war and presents them to the world.

In this method, we try to draw and study the various manifestations of sustainability literature in the poems of Sepideh Kashani and Mahin Dokht Vahidi with a descriptive analysis method with a comparative approach.

Among the common themes of stability in the poetry of these two poets that can be studied are the praise of freedom and liberty, the call to struggle, oppression, resistance against foreigners and the struggle to liberate their homeland, so this article is a quest to examine ideas. And the manifestations of stability in the poetry of the two mentioned poets that will be presented to the readers are among the factors influencing these themes and common existence, a common experience that these two poets during the war and in the path of defending their sanctities and homeland and oppression and tyranny. They have acquired their compatriot.

Key words: Resistance literature, Holy Defense, fatherland, Sepideh Kashani, Mahin Dokht Vahidi

جلوه‌های مقاومت در اشعار سپیده کاشانی و سیمین دخت وحیدی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۱۵

منیژه فلاحی^۱رضا فهیمی^۲اکرم جهانگیریان^۳

چکیده:

ادبیات پایداری انعکاس دهنده‌ی پایمردی و دلاورمردی‌های یک ملت یا قوم در برابر هرگونه تجاوز و ظلم و ستم است و همچنین برجسته کردن پیام‌های انسانی از جمله آزادی و حق‌خواهی عدالت‌طلبی ظلم‌ستیزی و وطن‌دوستی ایثار و استقامت است، در این نوع ادبیات شاعر و نویسنده به دنبال زبانی است که با همه مردم جهان گفتگو کند؛ لذا پیام‌های انسانی حادثه‌ای چون جنگ را درونی می‌کند و به جهان ارائه می‌کند.

در این پژوهش برآنیم تا با روش تحلیلی توصیفی با رویکرد تطبیقی به ترسیم و بررسی جلوه‌های گوناگون ادبیات پایداری در اشعار سپیده‌کاشانی و سیمین دخت وحیدی بپردازیم، از جمله مضامین مشترک پایداری در شعر این شاعران که می‌توان مورد مطالعه قرار داد، ستایش آزادی و آزادی، دعوت به مبارزه، ظلم‌ستیزی، مقاومت در برابر بیگانگان و تلاش برای رهایی سرزمین خویش است. مقاله‌ی حاضر جستاری است جهت بررسی اندیشه‌ها و جلوه‌های پایداری در شعر دو شاعر مذکور که فرا روی خوانندگان قرار خواهد گرفت. از جمله عوامل تأثیرگذار بر این مضامین و وجوه مشترک، تجربه مشترکی است که آن دو شاعر در جریان جنگ و در مسیر دفاع از مقدسات و وطن خویش و ظلم و استبداد نسبت به هموطنان‌شان کسب کرده‌اند.

کلید واژه‌ها: ادبیات پایداری، جنگ، وطن، سپیده‌کاشانی، سیمین دخت وحیدی

^۱استادیار گروه ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساوه، ایران نویسنده مسئول mahdisfallahj@gmail.com

^۲استادیار گروه ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساوه، ایران Fahimi.lrt@gmail.com

^۳دانشجوی دکتری گروه ادبیات غنایی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساوه، ایران Akram.jahan398@gmail.com

ادبیات تطبیقی این امکان را برای پژوهندگان فراهم می‌آورد که به مقایسه اشعار شاعران مختلف پردازند و با بررسی مقایسه‌ای آثار شاعران، نتایج زیباتر و مفیدتری ارائه دهند. نوعی از ادبیات تطبیقی می‌تواند در زمینه ادبیات پایداری که انعکاس دهنده مقاومت ملت‌ها و حکومت‌ها در برابر مستکبران است، باشد؛ چراکه استعمار همواره بر کشورهای جهان سوم حاکم بوده و مردم این جوامع پیوسته از آن رنج کشیده‌اند و شاعران این جوامع تا آنجا که مقدور بوده است با مردم همراه شده و به محکوم کردن استعمار و استعمارگران پرداخته‌اند و به پایداری دعوت نموده‌اند.

ادب پایداری به توصیف صحنه‌های جنگ و تبعات آن می‌پردازد و مهم‌ترین مضامین این نوع ادبی دعوت به مبارزه، تشویق رزمندگان به دفاع از دین و آزادی میهن، امید به آینده‌ای بهتر و ستایش شهدای راه آزادی است.

در عرصه شعر و ادبیات بعد از انقلاب نیز حضور بانوان شاعر و نویسنده، حضوری قابل تامل و شوق برانگیز است. با یک مرور اجمالی می‌توانیم بانوان شاعر بسیاری را نام ببریم که در عصر انقلاب بالیده و امروز نام خود را به عنوان یک چهره ممتاز و شاخص در صحیفه ادبیات انقلاب اسلامی به ثبت رسانده‌اند. از جمله این بانوان شاعر می‌توان از سیمیندخت وحیدی و زنده یاد سپیده کاشانی نام برد. دو بانوی شاعری که با خلق و آفرینش آثاری بدیع و قابل ستایش، در ذهن و زبان نسل انقلاب ماندگار شده‌اند.

با توجه به اهمیت ادبیات پایداری و کاربرد فراوان مولفه‌های شعر مقاومت در اشعار این دو شاعر، در پژوهش حاضر با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی و با رویکرد تطبیقی، سعی خواهد شد تا پس از خوانش جداگانه دفاتر شعری دو شاعر و بازخوانش تطبیقی آنها، درونمایه‌ها و مضامین پایداری در شعر ایشان واکاوی و وجوه اشتراک و افتراق آنها استخراج شود. بررسی تطبیقی مضامین پایداری در دیوان دو شاعر حاکی از آن است که مضامین به کار رفته در اشعار آنان بیانگر واقعیت‌ها و حوادثی است که در روند مبارزات و مقاومت ملتشان جریان داشته است. دعوت به بیداری، آزادی خواهی و شهادت طلبی از اصلی‌ترین درونمایه‌های مشترک شعری دو شاعر باشد، اما در شیوه ارائه این درونمایه‌ها تفاوت‌هایی در شعر ایشان دیده شود.

۱-۱- سوالات پژوهش

سوالاتی که پژوهش حاضر در جهت پاسخ به آنها به رشته تحریر درآمده است:

۱. پر بسامدترین نمادهای پایداری در اشعار این شاعران کدامند؟
۲. دیدگاه این شاعران در خصوص ادبیات پایداری چگونه است؟
۳. این دو شاعر بزرگوار مضامین پایداری را چگونه در اشعار خویش نمایان ساخته‌اند؟

ادبیات پایداری به مجموعه آثاری گفته می شود که درون مایه و موضوع آن با تکیه بر ویژگی ملیت یا دین، انسان ها را به دفاع و مبارزه در برابر هر نوع استبداد، تحقیر، بندگی و بردگی ترغیب و تشویق کند و یا صحنه های نبرد و تبعات آن را توصیف نماید. (مکارمی نیا، ۱۳۸۴: ۱۱) گرچه علاوه بر ملیت و دین مسائل انسانی و جهانی نیز می تواند موضوع ادبیات پایداری قرار گیرد

"شعر پایداری با توجه به محتوا انواع مختلفی دارد از جمله ۱. تکیه بر ملیت شهر قهرمانان و جنگ های آنان که اشعار حماسی را در بر می گیرد مانند شاهنامه ۲. حماسه های تاریخی و مذهبی در توصیف جنگ های پادشاهان و مجلس سپاهیان دلاور و زمان دشمنان و شخصیت های مذهبی مانند حمله حیدریه باذل مشهدی ۳. سروده هایی به عنوان اعتراض علیه ظلم و ستم حاکمان و ترغیب مردم به بیداری برخی اشعار دوران مشروطیت ۴. سروده هایی با تکیه بر عدالت خواهی و بشردوستی و بیان جنایات دولت های ستمگر و وضعیت مردم فلسطین ویتنام بوسنی و افغانستان. ۵. سروده هایی درباره انقلاب اسلامی و دوران هشت سال دفاع مقدس ایران که به نام شعر دفاع مقدس از آن یاد می شود" (مکارمی نیا، ۱۳۸۴: ۱۲-۴۳)

"شعر مقاومت آمیزه ای از عشق و عرفان و حماسه است. آزاد و رها اما متعهد و مسئول. شعر انقلاب از قلمرو حماسه و اندیشه های حماسی تکوین یافته که درخشان ترین نمایه های حماسی آن عبارت سات از: عاشورا، جنگ تحمیلی، شهادت، مبارزه، ایثار." (بیگی، حبیب آبادی، ۱۳۸۲: ۱۲۶۷-۱۲۶۵)

"شعر پایداری، جدا از دلالت ها موضوعی از منظر فلسفه و علوم نظری به شعری اطلاق می شود که محصول همدلی مردم میهن یا قومی در برابر گونه ای تجاوز به ملیت بشری است. ادب پایداری در معنای جنگ با بیگانه بازتاب روحی - روانی نسلی است ایستاده در مقابل یک رویداد تاریخی و مشارکت آن نسل در همدلی و همراهی یکدیگر." (کاکائی، ۱۳۸۰: ۹)

ادبیات دفاع مقدس به مجموعه نوشته ها و سروده هایی گفته می شود که درون مایه و موضوع آن به مسایل هشت سال دفاع مقدس و پیامدها و تبعات آن باز می گردد. در نگاهی وسیع تر می توان طیفی گسترده تر و جغرافیایی فراخ تر برای این عنوان تصور کرد. (سنگری، ۱۳۸۰: ۵)

و شاعر وجدان عصر خویش و تاریخ بشر است. (امین پور، ۱۳۸۴: ۲۹۶)

بدون شک در هر دوره ای از ادوار ادبی نیاز به تحقیق و پژوهش در باب شعر پایداری احساس می شود. اشعار این شاعران دربردارنده احساس ناب عشق به وطن و قیام انسان در برابر ظلمت و تاریکی است و موضوعات اشعار این شاعران بیان کننده رویدادهای اجتماعی است که انسان به عنوان محرک اصلی آنها در نظر گرفته می شود.

همین خصیصه در دفتر اشعار سپیده و سیمین دخت به چشم می آید که علاوه بر ترسیم چهره ستم کشیده مردم کشور خود، پای بر خارج از مرزها گذاشته همچون دفاع از حقانیت فلسطین و تمامی مردم ستم دیده دنیا که از ویژگی های اصلی شعر پایداری است. در قرن بیستم دو کشور فلسطین و ایران بستر حوادث متعدد بود که منجر به شکل گیری ادبیات مقاومت شد و وجه اشتراک همه ی شاعران پایداری، دفاع از هستی و هویت سرزمین شان در برابر اشغالگران بوده است، بنابراین حوادث برون مرزی در آثار همه شاعران پایداری باعث آفرینش اشعاری با محتوای برون مرزی شده است.

پرداختن به ادبیات پایداری به صورت یک گونه ادبی مستقل در ایران سابقه چندانی ندارد و سابقه آن به چند دهه اخیر می‌رسد، در مورد سپیده کاشانی مقالات ارزشمندی نگاشته شده است:

صادق زاده (۱۳۹۰) در مقاله «بررسی ویژگی‌های سبکی و تحلیل محتوایی شعر سپیده کاشانی» به بررسی ویژگی‌های سبکی و از جنبه‌های قالب‌های شعر و مختصات بیانی و ادبی تحلیل و بررسی و سپس به تحلیل محتوایی و بررسی مضمون‌ها و درون‌مایه‌های اشعارش پرداخته است، اکبری (۱۳۹۴) در مقاله «جلوه‌های پایداری در اشعار فدوی طوقان و سپیده کاشانی» به تشریح جلوه‌های مقاومت در اشعار دو شاعر در ادبیات معاصر عرب و ایران پرداخته است، باوان پوری (۱۳۹۷) در مقاله (مولفه‌های پایداری در شعر طاهره صفارزاده و سپیده کاشانی) به بررسی مضامین ادبیات پایداری در شعر این دو شاعر زن پرداخته است.

تا آنجا که جستجو به عمل آمده است بجز مقاله‌ی «حلقه‌ای بر گردنم افکنده دوست» سلام (۲۳ مرداد ۱۳۸۵) ص ۷، گپی با بانوی شعر انقلاب سیمین دخت وحیدی، پژوهشی مستقل و کامل با نگاهی علمی به اشعار سیمین دخت وحیدی انجام نشده است.

۱-۴ اهمیت و ضرورت تحقیق

اهمیت و ضرورت اصلی این پژوهش بررسی جلوه‌های مقاومت در ادبیات ایران از تحلیل اشعار دو شاعر مورد نظر و معرفی آن به مخاطبان و پژوهشگران است و همچنین ضرورت‌های این پژوهش بیان‌اندیشه و دیدگاه شاعران معاصر نسبت به اوضاع سیاسی اجتماعی کشور و بررسی جایگاه آنان در ادبیات پایداری و میزان تاثیر آنها در جامعه است همچنین مطالعه ادبیات به صورت تطبیقی به درک بهتر و شناخت دقیق از وضعیت ادبی جامعه و وجوه اشتراک و افتراق میان این دو شاعر می‌باشد.

کاشانی و وحیدی از شاعران برجسته و تاثیرگذار در ادب پایداری ایران که اشعاری زیبا و نیکو در مورد عشق به وطن دارند که وجود همین اشتراکات و پیوند میان ملت و ادبیات ضرورت اصلی در شکل‌گیری این جستار بوده است هدف از این نوشتار بهره‌بردن از بن‌مایه‌های پایداری و دفاع مقدس در اشعار وحیدی و کاشانی با ارائه تصویری دقیق و جامع از حس وطن دوستی دو شاعر بزرگ معاصر است. دیگر آنکه حفظ و ترویج آثار ادبیات پایداری و معرفی آن به نسل حاضر که دوران مقاومت و ایستادگی فرزندان میهن خود را درک نکردند بایسته و ضروری است.

اشعار این شاعران در حقیقت دربردارنده احساسات ناب عاشقانه به وطن و قیام انسان در برابر ظلم و تاریکی است موضوعاتی که در این اشعار مطرح می‌شود بیان‌کننده رویدادهای اجتماعی است که انسان به عنوان محرک اصلی آنها در نظر گرفته می‌شود. کانون توجه این شاعران بیان رخداد‌های مختلف اجتماعی و تناقض‌های جهان مدرن است که هر لحظه گریبانگیر نسلی از ملت می‌شود و آنها را به ورطه نابودی می‌کشاند، همچنین بیان شومی جنگ و خونریزی و ویرانی‌های آن و مبارزه مردمی در برابر آن برای تحصیل صلح و زیستی رسالت اجتماعی این شاعران است که در اشعارشان منجر به ظهور زمینه‌های پایداری شده است. این پژوهش با بررسی مضامین اشعار کاشانی و وحیدی به روشنگری درباره مهم‌ترین مولفه‌های ادب پایداری در اشعار این شاعران گرانقدر پرداخته است.

۲-۱- مختصری از زندگی سپیده کاشانی

«سرور اعظم باکوچی» معروف به سپیده کاشانی، در سال ۱۳۱۵ در کاشان، سرای عطر و گلاب، متولد شد. وی شعری خوش قریحه با طبعی لطیف بود که اشعار زیبایی به سبک قدیم و نو سروده است.

سپیده کاشانی از همان کودکی تحت تأثیر اشعار حافظ و مولانا و سعدی بود او می گوید: «هر بار که در بحر تفکر در آثار حافظ غرق می شوم صدفی یا گوهری تازه به دست می آورم، باید بگویم که شعر و ادبیات، نیمی از زندگی من شد که به تنهایی پناهگاه من است.» (زرقانی، ۱۳۸۴: ۲۶۴)

در زمان حاضر، سرود به اشعار و ساخته هایی اطلاق می شود که در آنها تقریباً به بلندی و کوتاهی مصراع ها و قافیه توجه می شود. و این سروده ها برای بیان مفاهم عالی و ملی و مضامین حماسی متین و محکم خوانده می شود. (داد، ۱۳۸۲: ۲۹۱-۲۹۰)

دوران شاعری سپیده به دو مرحله پیش از انقلاب و پس از انقلاب تقسیم می شود که حوادث سیاسی، اجتماعی هر دو دوره، به ویژه دوره دوم، تأثیر فراوانی بر اشعار او گذاشته است. پیش از انقلاب، اولین مجموعه او با نام «پروانه های شب» منتشر شد که به دو قالب غزل و آزاد تقسیم می شد و شعرهای نوی وی بیشتر به مقولات اجتماعی و خفقان دوره طاغوت اختصاص داشت. اما کاشانی پس از انقلاب، فعالیت ادبی خود را وسعت بخشید و در قالب مختلف سنتی طبع آزمایی نمود. سپیده کاشانی را می توان از اولین بانوان شاعر دانست که نخستین آثار ادبیات مقاومت پایداری و جهاد و شهادت را در شعر انقلاب به بار نشانند و به عنوان یک زن مسلمان و انقلابی قدم به میدان نهاد و در فعالیت های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و ادبی شرکت کرد و به تبیین و ترویج معارف اسلامی، ارزش ها و اهداف انقلاب اسلامی پرداخت. سپیده کاشانی او با الهام گرفتن از مفاهیم سیاسی علاوه بر تأثیرپذیری از عواطف و احساسات زنانه و مادرانه و همچنین زندگی پر فراز و نشیب شخصی، رویدادها و رخدادهای دوران جنگ و جریانهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی جامعه را نیز در شعر خود بازتاب نمود و نقش مؤثری در آگاهی بخشی مخاطب داشته است. سرانجام سپیده در بهمن ۱۳۷۱ غروب کرد.

۲-۲- مختصری از زندگی سیمین دخت وحیدی

سیمین دخت وحیدی از شاعران متعهد و پرتلاش است که در سال ۱۳۱۲ شهرستان جهرم متولد شد.

دوران ابتدایی و متوسطه را در شهر جهرم گذراند، سپس به شهر تهران مهاجرت کرد. وی از نوجوانی به سرودن شعر پرداخت و در ۲۵ سالگی مجموعه داستانی تحت عنوان «لاله های داغدار» نوشت. آخرین مدرک تحصیل وی معادل کارشناسی ادبیات می باشد. وی در حوزه های هنری، آموزش و پرورش، تربیت معلم خدمت کرده است. قبل از انقلاب شعرهای سیاسی و پس از آن اشعارش در رابطه با انقلاب، حضرت امام (ع)، رزمندگان و ... می باشد، اشعارش دارای اصالت اخلاقی و مایه های خاص عرفان اسلامی است و از تمامی آنها بوی فارس و رایحه ی دل انگیز شعر حافظ و سعدی استشمام می شود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی هم همکاری خود را با صدای جمهوری اسلامی ایران و با حوزه هنری آغاز کرد و تدریس در

کارشناسی شعر تربیت معلم را عهده دار شد. سیمین دخت وحیدی هم زمان با دفاع مقدس در فضای معطر شهرهای جنگ زده و خطوط مقدم جبهه به شعرخوانی و همگامی با رزمندگان می‌پرداخت، سخنش محکم و استوار و دقیق است. وی از شاعران غزلسرا و عضو رسمی حوزه‌ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی و سردبیر ماهنامه‌ی کوثر است. تاکنون هفت اثر از وی به چاپ رسیده است که از آن جمله «هور»، «یک آسمان شقایق»، «حس می‌کنم زندگی را»، دو کتاب «منتخب ادبیات به نظم و نثر» و اشعار متفرقه می‌باشد.

۲-۳- جلوه‌های پایداری در اشعار سپیده کاشانی و سیمین دخت وحیدی

این جنگ به لحاظ دفاع از آنچه نزد ما مقدس بوده است که یکی اسلام و دیگری مام وطن است و از سویی حمله از جانب صدام و حامیان صورت گرفت به نام دفاع مقدس نامیده شد، در اینجا شعر انقلاب جوشیده از درون شاعر است، شاعری خود در صحنه‌های مختلف انقلاب حضوری فعال داشته است نه حضوری از کنار گود بلکه در میان میدان، شعر او حرف مردم است، درد او درد مردم است، با مردم می‌خندد و با مردم می‌گریزد. از جمله این شاعران می‌توان از زنده یاد سپیده کاشانی و سیمیندخت وحیدی نام برد. دو بانوی شاعری که با خلق و آفرینش آثاری بدیع و قابل ستایش، در ذهن و زبان نسل انقلاب ماندگار شده‌اند. برخی از جلوه‌های مقاومت در اشعار این دو شاعر گرانقدر ادبیات پایداری به شرح زیر است.

۱-۳-۲- شهادت

یکی از شاخص‌ترین و بارزترین مضامین شعر پایداری شهادت است که ریشه در فرهنگ اسلامی و دینی دارد و با الفاظی مانند ایثار، فداکاری، مقاومت و غیره همراه شده است وقتی کشوری مورد حمله و هجوم بیگانگان قرار می‌گیرد مردم آن سرزمین حاضرند برای پاسداشت کشورشان جان خود را فدا نمایند و در این مسیر شهادت را افتخاری برای خود به شمار می‌آورند، سپیده به عنوان یک شاعر ایرانی و مسلمان، شهادت را آرمان خود می‌داند و مبارزه و پایداری را شعله‌ای می‌پندارد که هیچگاه افول و خاموشی بر آن عارض نمی‌شود و پس از مردن نیز از قبر وی زیانه می‌کشد:

مسلمانم و آرمانم شهادت تجلی هستی است جان‌کندن من

م‌پندار این شعله افسرده گردد که بعد از من افروزه از مدفن من

(کاشانی، ۱۳۷۳: ۱۴)

سپیده شهید را مانند خون در رگهای خویش عزیز دانسته که مایه غرور و سرفرازی میهن خویش می‌باشد و خود را برای فدا شدن در راه وطن آماده می‌کند:

شهادت راه خدا گوهر منور خاک سلام تو و بر چشم اشکبار وطن..

تو خون سرخ منی من کلام جاری تو تو اشک چشم من ای سیل بیقرار وطن

(کاشانی، ۱۳۷۳: ۶۵)

سپیده اظهار می‌دارد شهید عارف و سالک طریق الله است و نباید بدون وضو و طهارت بر مرقد آنان حاضر شد:

ای که گذر داری از آنجا بگو کس نزند گام بر آن بی وضو
(کاشانی، ۱۳۷۳: ۱۱۷)

شهید از نگاه سپیده عاشقی است که چون لاله سرخ یک شب می شکفت و به اوج می‌رود و عطر پروازش همه جا را پر می‌کند شهید همای سعادت است که در وام عرش خدا به قرب می‌رسد:

برون شدی ز حصار تن ای همای سعادت به بام عرش به قرب خدای لانه گرفتی
(کاشانی، ۱۳۷۳: ۶۲)

وحیدی نیز همچون دیگر شاعران ادبیات پایداری از واژه شهادت و ترکیب‌ها و کلمه‌هایی که مفهوم شهادت و شهید را دارند در اشعار خود بسیار استفاده نموده است:

به بزم لاله و گل بنشین شهید و شاهد ما را که خوانده‌اند به سرمستی سرود عشق و وصال
ببین اینجا
(وحیدی، ۱۳۸۱: ۱۶۷)

وحیدی در بیتی شهیدان را به ستاره‌های تشبیه می‌کند که از کهکشان در حال عبور هستند:

هزار کوکب تابان هزار اختر رخشان ز کهکشان شهادت کند عبور امشب
(وحیدی، ۱۳۸۱: ۱۷۴)

وحیدی با ایجاد پارادوکسی زیبا از تلخی داغ شهیدان می‌گوید و آرزو می‌کند این درد دوری هرگز از یادها نرود:

داغ پرستوهای عاشق خواب را از یاد ما برد هرگز مبادا این درد در اذهان ما پایان بگیرد
(وحیدی، ۱۳۸۸: ۶۰)

وحیدی یکی از عوامل پیروزی ملت ایران در جنگ تحمیلی را اشتیاق شهادت می‌داند:

شکوفای شد شهادت هر شب و روز و دستی بر جهانی گشت پیروز
(وحیدی، ۱۳۸۸: ۲۵)

وحیدی در غزلی با ردیف خون می‌چکد غم شهادت شهیدان را به قدری تاثیرگذار و غم‌انگیز می‌داند که گویی از چشمه‌های آسمان و صبح روشن و لب خورشید خون می‌چکد:

درغمت از چشمه‌های آسمان خون می‌چکد از ستیغ روشن صبح جهان خون می‌چکد..

(وحیدی، ۱۳۸۸: ۱۵۱)

همچنین وحیدی واژه‌های حماسه، جهاد، خون و ایثار را از مفاهیم یک شعر با شعور می‌داند:

به عرصه‌های حماسه، جهاد، خون، ایثار به متن کامل شعر و شعور برگردیم
(وحیدی، ۱۳۸۸: ۱۳۷)

وحیدی شهادت را به منزله‌ی بالی و پری برای پرواز و جاودانگی می‌داند و شهید را زنده‌ی تاریخ می‌داند:

شرمساریم شهیدان که چنین پژمرده ایم زنده ماندید شما ما همه اینجا مردیم..

(وحیدی، ۱۳۷۸: ۹۵)

۲-۳-۲- وطن

هنگامی که سرزمینی مورد تهاجم بیگانگان قرار می‌گیرد وظیفه افراد آن ملت است که به دفاع از حریم وطن خود به پاخیزند و شاعران نیز به نوبه خود به انجام این تکلیف پرداخته‌اند و با سلاح شعر به مصاف دشمن می‌روند. وطن چشم اندازهای شکوهمند نور و ایمان، مقاومت و ایستادن است و تلفیقی از عشق و ایمان در ذهن شاعر وطن را هویت می‌بخشد. قلب سپیده همواره برای سرزمینش می‌تپد:

ای خاک لاله پرور بر سینه صبورت
طغیان رود ایثار در اوج آزمون است
(کاشانی، ۱۳۸۹: ۳۰)

شعر سپیده به قدری با ذهن مخاطب صمیمی است که از زبان عامه‌ی مردم در کوچه‌ی و خیابان زمزمه می‌شود:

به خون گر کشی خاک من، دشمن من
بجوشد گل اندر گل از گلشن من
تنم گر بسوزی به تیرم بدوزی
جدا سازی ای خصم سر از تن من
کجا می توانی ز قلبم ربایی
تو عشق می --- ان من و میهن --- من
(کاشانی، ۱۳۷۳: ۱۴)

عشق‌ورزی به وطن در جای جای اشعار وحیدی جاری ست، او وطن را سرچشمه‌ی همه‌ی ارزشهای انسانی می‌داند:

می‌هنم ای سرزمین ارزش و معیارها
خانه‌ی بیدارها، دیدارها، ایثارها...
ای پر از فریادهای تندر و طوفان و باد
جرات جاری شدن در بستر دشوارها...
کاخ عمرم گرچه شد ویران چه جای غم که
از غزل‌هایم عمارت، بهترین معمارها
ساخت
(وحیدی، ۱۳۸۸: ۱۵۷)

عشق وطن مانند خون در رگهای وحیدی است و آرزو می‌کند که چشم طمع هیچکس به خاک میهن ما نباشد که در آن صورت جهاد و دفاع مقدس تکرار خواهد شد، به این معنی که ملت غیرتمند ما در هر حالی از میهن دفاع خواهند کرد:

مخواه از من و از چشمم به غیر از شیوه بیداری
که هر کجای وطن ما را، حریم قدسی سنگر
است (وحیدی، ۱۳۸۱: ۱۷۹)

۲-۳-۳- آزادی و آزادی

یکی از واژه‌های مقاومت در اشعار شاعران پایداری ستایش آزادی و آزادی و دعوت به مبارزه در مقابل بی‌عدالتی هاست، انسان ذاتاً خواهستار آزاد بودن و رهایی است از دربند بودن اسارت بیزار است، سپیده در

شعر بهار در گذر فصل‌ها را نظاره می‌کند و می‌بیند که فصل بهار با همه زیبایی‌هایش آمده ولی شاعر از آمدنش خوشحال نیست دوست دارد بهار زمین با بهار آزادی همراه باشد:

اینجا بهار فصل مطرح نیست ما را آن می‌سزد ما را که ماند نسل‌ها را

ما را بهار باید از این دست آری ما راست در آزادگی رنگین بهاری
(کاشانی، ۱۳۸۹: ۱۴۸)

شاعر سرود آزادی و ظفر را «با اعتقاد بر اینکه خون بر شمشیر ستم پیروز است» می‌سراید:

خون به شمشیر ستم پیروز است مهر اسلام، جهان افروز است...

آری، این قافله دشمن سوز است سحر از خون شما رنگین شد

صبح آزادی، عطراگین شد روز از عزم شما نوروز است
(کاشانی، ۱۳۸۹: ۴۸۹)

او چون شیرزنی ایرانی می‌خروشد علیه آنهایی که مدافع حقوق بشر و آزادی هستند و مجسمه آزادی آنها را به سخره می‌گیرد.

- می‌بینی آنجا در آن بلند دور

بر پای آن تجسم آزادی

بر پای آن مجسمه پوچی

سیمان سخت اسارت ماسیده است.

وحیدی معتقد است برای رسیدن به آزادی باید ابتدا به باور رسید و بال گشود و چون پرنده‌ها پرواز کرد:

اندکی راه است تا باور اگر باید پرید باز کن امروز بال و پر اگر باید پرید...

از پرستوها کبوترها که کمتر نیستی پر بزن پر آری از این مختصر باید پرید
(وحیدی، ۱۳۸۸: ۷۱)

بهار زیبای آزادی در اندیشه‌ی شاعر جلوه‌گری می‌کند و برای رویش و زندگی از خورشید و بهار استمداد می‌جوید:

مثل خورشید از فراز قله‌ی هستی بتاب مثل گیسوی هنر در من بیاویز ای بهار

تشنه‌ی رویدنم در این خزان بی‌امید گر بمیرم باز از خاکم بیامیز ای بهار
(وحیدی، ۱۳۸۸: ۷۰)

وحیدی خود را انسان مبارزی می‌داند که دست یاری همگان دراز می‌کند تا با حلقه‌ی اتحاد بسوی آزادی گام بردارند، چون معتقد است یک دست صدایی ندارد:

تو هم مثل من مشت ها را گره کن

مرا دست تنها صدایی ندارد
(وحیدی، ۱۳۸۸: ۵۳)

۴-۳-۲- انعکاس مظلومیت

سپیده کاشانی به عنوان شاعر زن مسلمان متعهد در سنگر شعر به پاسداری از عقاید و آرمان‌های خود و دفاع از حقوق مردم و به تصویر کشیدن مظلومیت آنها چه در داخل کشور و چه در خارج کشور پرداخت. او در فضای خفقان قبل از انقلاب بیشتر مفاهیم و مضامینی همچون زمستان، خفقان و سکوت، ظلمت و تباهی را به صورت نمادین بیان می‌کرد.

در خیابان مهر هر جا چراغی بود/ این زمان مصلوب خاموشی است/ ساحت را.. / سینه ها گور گناهان شد/
راستی آیا کدامین تسلیت را/ با که باید گفت در چنین فصلی که اندوه است پیغامش؟ (کاشانی، ۱۳۵۹: ۸۶)
شامگاه غرق در ظلمت / آنکه که مرغ شب / سر می دهد غمگین نوای جاودان خویش / آنکه که شام تیره
چوب خیمه ظلمت/ تا انتهای خاک می کوبد.. / فریاد بی همدردیم / هر شب / در غربت این جنگل می
روید... (کاشانی، ۱۳۵۹: ۵۷)

وحیدی بعنوان یک شاعر پایداری همواره برای بیداری و زنده نگه داشتن روحیه ی آزادی خواهی به ترسیم
چهره ی زخمی شهر و مردم درد کشیده پرداخته است:

خیابان ما رد پای ندارد برای تنفس هوایی ندارد

پر از رنج و درد و دروغ و گرانی ست برای صداقت فضایی ندارد

همین خانه‌ی کوچک و خسته، حتی به جز اشک من آشنایی ندارد

(وحیدی، ۱۳۸۸: ۵۳)

وحیدی شهر بدون آزادی را شهری سوخته و بی باغ و برگ با نغمه‌های را در گلو خشکیده و پرنده‌های
بی‌بال و پر ترسیم نموده است:

شهر من ای شهر پیکر سوخته باغ و بوستان تو سراسر سوخته..

خاطرات سبز تو دیری است دیر با شقایق‌های پرپر سوخته

نغمه های ت در گلو خشکیده است مثل پروازی که در پر سوخته

(وحیدی، ۱۳۷۸: ۷۰)

وحیدی معتقد است دستان ظلم نمی توانند گره از مشکلات مردم بگشایند و پرسشی مطرح میکند که آیا
مردم سزاوار اینهمه ظلم و کینه هستن؟

دنیاسیر کینه ی ظلم است و دست ظلم مشگل گشای مردم دنیا نمی شود

آیا خدا نکرده سزاوار محنتیم ما
یا ناله ها روانه ی بالا نمی شود
(وحیدی، ۱۳۸۸: ۱۱۵)

۵-۳-۲- امید به آینده و موعود

بیشترین مضامین اشعار سپیده بر محور امید به آینده و موعود می چرخد و کمتر شعری دارد که با انتظار و امید به آینده ای روشن یا ظهور منجی عالم به پایان نرسد و این از بارزترین جنبه های اعتقادی سپیده است.

بر سر تربت گل ریز گلاب از سر نذر
تا بتابد مه موعود به انوار دگر
(کاشانی، ۱۳۷۳: ۵۵)

سپیده معتقد است که برای طلوع باید دعا کرد و آنقدر بر پیکر شهدا اشک ریخت تا موعود با نور دیگری هویدا گردد، او پیوسته در آرزوی ظهور منجی و امید به عدالت و پیروزی انقلاب مهدی (عج) است.

برای آمدنت گر چه زود هم دیر است
شتاب کن که بر آری ز شب دمار بیا
(کاشانی، ۱۳۷۳: ۷۴)

روشنایی بخش دل های صف چشم انتظاران
بیستون عشق از نورش مصفا خواهد آمد
(کاشانی، ۱۳۷۳: ۷۹)

یکی از ویژگیهای شعری وحیدی امید به آینده و فردایی بهتر با روحیه ی خودباوری و خوداتکایی و احیای هویت اسلامی است و اشعار او سرشار از بشارت است و آینده ای روشن را به مردم نوید می دهد:

ابره های خشکسالی آمدند
گرگ ها تا این حوالی آمدند

باز تا کرکس دو واحه پیش نیست
دشت تاریک است و منجی پیش نیست...

باز کرکس ها فراری میشوند
در حوض مرگ جاری می شوند..

زندگی یعنی سراسر او شدن
با نبی و آل او هم سو شدن

(وحیدی، ۱۳۸۸: ۱۸۴)

۶-۳-۲- ستایش امام خمینی

جلوه های مقاومت در شعر شاعران طیف بسیار وسیع و گسترده ای را به خود اختصاص داده است تعبیر فراوان و مختلف و نگاه ها و دیدگاه های توصیفی شاعران درباره امام تا بدان حد است که می توان فرهنگ ویژه ای از اینهمه ذهنیت ها و کندوکاو های شاعرانه ارائه داد.

سپیده کاشانی در سروده ای امام را روح خدا معرفی می کند و خون او را با خون امام حسین آمیخته می داند:

چارده قرن بسی گُل وا شد
از یکی روح خدا پیدا شد !

گلی آزاده ز صحرای خمین خورش آمیخته با خون حسین (ع)

(کاشانی، ۱۳۸۹: ۱۵۹)

گو که سواری زخمین آمده عاشق و خونخواه حسین آمده

(کاشانی، ۱۳۸۹: ۲۱۰)

سپیده در غزل بدرقه اشک ترکیب ها و واژه های جان، پیکرم فریاد قرون مسیحا سروان و روشنی دیده
استعاره از امام خمینی است.

تا که آن سرو روان سایه ز مسجد برچید اشک را بدرقه ی صبر و سکون آوردند

رفتی ای روشنی دیده و بر دامن ما جای هر دیده نگر بحر زگون آوردند

(کاشانی، ۱۳۸۹: ۱۷)

و در غزلی وجود امام را به جان ملت تشبیه کرده است و با ترکیب پیکر فریاد قرون امام خمینی (ره) را به
عنوان فریاد قرن ها اسارت و ستم‌دگی مردم ایران معرفی کرده است.

جان ما از قفس جسم برون آوردند در مصلا همه گل های جنون آوردند

شاعر آنقدر به رهبری امام خمینی اعتقاد دارد که او را نه زمان و ایران را کشتی نجات می‌داند و از او
می‌خواهد که این کشتی را به ساحل نجات برساند.

ماییم و توفان وین کشتی موج آشنا تا نوح باشد ناخدا کشتی به ساحل میرود

(کاشانی، ۱۳۸۹: ۳۸)

وحیدی به ما گوشزد می‌کند که راه رسیدن به حقیقت و آزادی بس طولانی است و باید از جانب بگذریم و
بر سر پیمان خود بمانیم و عشق حسین (ع) و اطاعت از امام خمینی (ره) سرلوحه اهداف مان باشد:

آری، این راه دراز است و به جان می‌پویم تا ابد آنچه که گفتم همان می‌گوئیم

ما به دل تا به ابد عشق خمینی داریم سر به فرمان تو ای پیر خمینی داریم

(وحیدی، ۱۳۸۱: ۳۸)

وحیدی امام خمینی (ره) را همچون نوری میدانند که دل بهمن از آسمان بر ما تابید و نوش داروی زخم هزار
سهراب شد و سرانجام چون گلی در گلزار جماران آرمید:

خواب دیدم از فراز آسمان می‌آمدی نور بودی از بلندای زمان می‌آمدی...

(وحیدی، ۱۳۸۶: ۶)

تو نوش داروی زخم هزار سهرابی و مرهم دل مجروح داغدارانی

شکوه و شهرت حسن تو گشته عالمگیر اگرچه سروی و در گلشن جمارانی

(وحیدی، ۱۳۸۶: ۴۵)

وحیدی در قصیده ای امام خمینی (ره) را عامل آزادسازی خرمشهر از محاصره ی دشمن می داند:

ای مطلع رهایی خرمشهر ای مظهر عنایت ربانی
(وحیدی، ۱۳۸۱: ۹۰)

۷-۳-۲- استفاده از نمادها و اساطیر

مکانهای جغرافیایی هر کشوری نماد آن کشور محسوب می شوند و شاعر با پرداختن به این موضوع از تمامیت ارضی سرزمین خود دفاع می کند. (لک، ۱۳۸۴: ۲۲۹)

شاعران مقاومت نیز در اشعارشان بسیاری از نمادها بهره گرفتند مانند سپیده کاشانی که در وصف البرز سروده است:

البرز ای سرافراز ای با تو مهر دمساز
ای با ستاره همراز لب را به قصه کن باز

بشنو گذشته ای دور در دامنت ز مانی
می زیستند آرام خوشبخت مردمانی
(کاشانی، ۱۳۸۹: ۱۶۹)

سپیده از نماد های اساطیری، سروش و ماهی و طالع سعد، جغد، آتشکده، نیز استفاده نموده او در سروده ای از خرمشهر به عنوان نماد تمام ایران سخن به میان می آورد:

ای شهر خرمشهر ای خاک گوهر خیز
ای سینه پر آذرت از قصه لبریز

خاکت ببوسم خاک تو بوسیدنی شد
گلهای خرمشهر من بوییدنی شد

(همان: ۱۳۸۹)

واژه های آب و آینه، نور، کبوتر از نمادهایی هستند که وحیدی در اشعار خود با مفاهیم مختلف از آنها استفاده نموده است، به طور مثال در بیتی به آب و آینه سوگند می خورد:

به آب و آینه سوگند من ندانستم
به سمت حادثه رفتند من ندانستم
(وحیدی، ۱۳۸۱: ۱۶۲)

معانی نمادین آب را می توان در سه مضمون اصلی چشمه ی حیات، وسیله ی تزکیه و مرکز حیات دوباره خلاصه کرد. در اساطیر ملل آب را نماد مرگ و زندگی دانسته اند. (یاحقی، ۱۳۸۸: ۳)

چشمانم را به ارتفاعی تازه فرا می خوانم

تا فریاد کنم سبلان خاموش را

که به وقار دماوند

ریشک می ورزد...

مکان تو، از جغرافیای تقدیر جدا نیست

البرز هم به عظمت فراز و نشیب تو

آگاه نیست..

(وحیدی، ۱۳۸۸: ۲۰۸)

اسطوره‌ها در واقع نمایش قدرت مردم یک سرزمین هستند که در بستر زمان شکل می‌گیرند انسانها برای تقویت روحی و روانی خود پیروزی‌های خود را در اسطوره‌ها جاودان می‌سازند. (لک، ۱۳۸۴: ۸۰)

از جمله شخصیت‌های اسطوره‌ای در شعر سپیده کاشانی می‌توان به شیرین و فرهاد و لیلی و مجنون اشاره نمود سپیده در ستایش فداکاری شهیدان سروده است:

گیسوی لیلا طناب‌دار دشمن گشت لیک همت مجنون نگر کو از سر و پیکر گذشت

چشم شیرین زمان دریاوش از خون موج زد جان شیرین داد فرهاد و از این معبر گذشت
(کاشانی، ۱۳۸۹: ۴۰۱)

سپیده در اشعارش شهیدان وطن را همچون ققنوس دانسته است «ققنوس پرنده‌ای است افسانه‌ای که سمبل مبارزه است و از خود گذشتگی و ایثار است او مثل شمع می‌سوزد و بر گرد خود روشنی می‌بخشد به نظر او باید علیه ظلم و بیداد و بی‌عدالتی و استبداد برافروخت اگرچه به قیمت نابودی خویشتن تمام شود»

ز آن دورها یک مشت خاکستر

باغ در دامن با دست می‌آید

دارد پیامی از نازنین سروری

کاین خاک بس ققنوسها زاید

(کاشانی، ۱۳۸۹: ۳۲۶)

در آینه هستی ام و هم سیالی اما

چو ققنوس از عمق خاکستم می‌گریزی (وحیدی، ۱۳۸۸: ۳۹)

از جمله شخصیت‌های اساطیری که در اشعار وحیدی به چشم می‌خورد هابیل و قابیل است که هابیل نماد مردم ایران و قابیل نماد مردم عراق است که اشاره به برادرکشی دارد:

خون جوشان به خاک هابیلی

اسوه‌ای در مصاف قابیلی (وحیدی، ۱۳۷۸: ۵۹)

خصلت قابل را دارند خونخواران غرب

خانه ی هابیل می جویند این لشکر هنوز (وحیدی، ۱۳۷۸: ۱۳۰)

در اشعار وحیدی اسکندر نماد عدم توفیق و خضر نماد توفیق الهی است:

ای راه را نرفته می دانی

تدبیر خضر و خامی اسکندر (وحیدی، ۱۳۸۱: ۸۴)

۸-۳-۲- زنان در دفاع مقدس

نقش سیاسی و اجتماعی زنان در هشت سال دفاع مقدس ابعاد گسترده ای دارد. آنان با مشارکت آگاهانه و مؤثر در جنگ و دفاع از نظام مقدس جمهوری اسلامی از طریق حضور مستقیم و غیرمستقیم، وظیفه خود را در ترویج فرهنگ ایثار و شهادت ادا کردند. اوج حضور مستقیم و حماسی زنان در شهرهای مرزی و درگیر مستقیم با جنگ هنگامی بود که شهر در محاصره و تنگنا قرار گرفته بود. بسیاری از زنان حاضر به ترک خانه و کاشانه نبودند و تا پای جان دوشادوش مردان ایستادگی و مقاومت می کردند.

سپیده کاشانی در دو شعر به زنان دلیل پرور میهن اسلامی و آشیانه ما درباره مقام زن و زنان دوران دفاع مقدس پرداخته است. زنان و مادران دوران دفاع مقدس را با واژه ها و ترکیبهای گردآفرین، دامن گل، مهد گل‌های گلزار، گلدسته طایر، گلشن راز، چشم سال صبر و ویرانگر دانه های بلورین، چشم بیدار و بانوی کوثر، صلاح حجاب، لیلای دشت فضیلت و کوکب آبی دور توصیف می کند

کاشانی زنان دوران را در صبر و شکیبایی به حضرت زینب و لیلا تشبیه می کند. سلاح زن در پشت جبهه هم آن حفظ حجاب در سنگر دین و مذهب می داند.

ای زن مسلمان

بر سپهر ایمان، همچو اختری

صبر و استقامت، پاکی و نجابت را، تو مظهری

ظلمت ستیز، گردآفرین زمانه‌ای

اسوه جهانی، زینب زمانی، جاودانه‌ای... (کاشانی، ۱۳۸۹: ۴۸۲)

وحیدی از زنان نمونه‌ای است که در جبهه‌ها حضور داشته و از دلاوری‌ها و جانفشانی‌های زنانی که زینب صفت و قهرمانانه مقاومت کردند، می گوید:

به آن ایل پرصولت زینبی به آینه داران دخت نبی

همانان که پاک اند و زهرایی اند شعورند و نورند و بینایی اند

همان قهرمانان زینب صفت زنانی سراسر ادب، معرفت

(وحیدی، ۱۳۸۹: ۴۸)

همو با لحنی حماسی و مردانه برای نبرد اعلام آمادگی می کند و می گوید:

مرد آن نیست که از حادثه در بیم شود روز تصمیم فرو ماند و تسلیم شود

گر بخوانید بدانید که ما هم مردیم وای بر ما اگر از راه خدا بر گردیم
(وحیدی، ۱۳۸۹: ۱۹)

وحیدی دربارهٔ همراهی پرستاران در سنگرها و خط مقدم، این گونه می گوید:

در معبر هر کوچه هم فریاد گشتیم
در بیستون عاشقی فرهاد گشتیم
من در دل سنگر کنار تو نشستم
تو زخم من بستی و من زخم تو بستم...
تا کرخه و سربندر و نوسود و گرگر
تا کربلا، تا قدس، تا الله اکبر
می رانم این سیال خون تا آنکه خورشید
گردد شکوفا بر سر گلزار امید
(وحیدی، ۱۳۸۹: ۳۰-۳۱)

وحیدی در مثنوی رمز و راز تمام دنیا ارزش ها و سیمای معنوی زن را تو صیف می کند او زن را رحمتی از جانب خدا می داند که ایمان و اعتقاد از چنین رحمتی نور گرفته است و موجب رو شنایی و رضایت مندی گشته است و می گوید «زن رمز و راز تمام دنیا هاست حرکت امواج و ترنم زیبای آرام شدن دریا در وسعت نگاه زن است و تمام اسرار دنیا ها در نگاه زن خلاصه می شود»

ای زن ای رحمت خداوندی نور ایمان فروغ خرسندی

ای زن ای صبح روشن امید ای شکوه صداقت خورشید

در نگاه تو شعر دریاهاست رمز و راز تمام دنیا هاست
(وحیدی، ۱۳۸۹: ۵۷)

وحیدی زنان دوران دفاع مقدس را با زنان و حادثه جاویدان کربلا پیوند می دهد و آنان را همانند حضرت زینب (س) زبان عاشورای ایران می داند.

تویی ای زن زبان عاشورا
زینب کاروان عاشورا
تو پیام آور شهیدانی
حرمت عشق را تو میدانی
(وحیدی، ۱۳۸۹: ۵۸_۵۹)

قلم سپیده کاشانی در بیرون از مرزهای ایران صرفاً به دردها و رنج‌های مردم نپرداخته بلکه با دشمنان مردم بی‌دفاع لبنان و فلسطین جنگیده، به خصوص اسرائیل را آماج گلولهٔ مصراع‌ها قرار داده و با اشعارش چهرهٔ آنها را برای مردم جهان به تصویر کشیده:

برد بر سرو و سوسن، یورش مرگباری دست ننگین صهیون، با بسی مکر و افسون

او در شعر زیر با ملت قدس که مظلوم و بی‌گناه، شهید می‌شوند هم‌دردی می‌کند و قطعهٔ (فرزند بی‌گناه) را به یاد دوشنبهٔ سیاه ۱۶ مهر ۶۹ و کشتار فرزندان مظلوم فلسطین و قدس می‌سرآید:

فرزند بی‌گناه فلسطین تاریخ عشق از تو مصور

خون تو آن رسالت جاری است هان، ای شهید پاک مطهر

(کاشانی، ۱۳۸۹: ۲۹۱)

خداباوری، دین‌مداری، حق‌جویی، عدالت‌خواهی، انسان‌دوستی سپیده کاشانی او را در خارج از مرزهای ایران نیز رها نکرده و نگذاشته او لحظه‌ای حدیث نفس گوید و به خود پردازد. در شعر (خنده‌های موج...)) او تصویر رنج و درد مردم لبنان را به نمایش می‌گذارد.

- آیا پرنده‌های قشنگ تو/ که زیر طاق ساکت ایوان‌ها/ و اوج کاج‌های سترون/ کاشانه داشتند/ تا سرزمین سبز کجا کوچ کرده‌اند؟ (کاشانی، ۱۳۸۹: ۴۷۰)

و در شعر (هرزگوین شهید غربت قرن) شاعر پایداری با تأثیرپذیری از جنگ صرب‌ها علیه هرزگوین به هم‌دردی و هم‌صدایی با مردم هرزگوین پرداخت:

- نهال عشق، گل‌آذین بود اگر ز عدل ثمر می‌داشت!

جهان ز عدل پرآوا بود، اگر حقوق بشر می‌داشت

شب سیاه مرا بنگر، نگر که «هرزگوینم» من

بگیر دست من ای انسان، که بی‌گناه‌ترینم من!.. (کاشانی، ۱۳۸۹: ۱۵۰)

وحیدی برای ترغیب و تشویق به مبارزه علیه استبداد داخلی و خارجی اشعاری سروده:

گر چه عقاب همتان با عشق هفت آسمان گرفته به زیر پر

اما هنوز قدس عزیز ما باشد به مصر خصم جنایتگر..

(وحیدی، ۱۳۸۱: ۸۳)

از نظر مقایسه بین شاعران مورد نظر می‌توان نتیجه گرفت که با وجود تفاوت زبان و نوع بیان، رسالت‌شان یکی است و آنچه شاعران دفاع مقدس را از دیگر شاعران دوره‌های قبل متمایز می‌کند این است که شاعران انقلاب، خود عاشق میهن، امام و رزمندگان بوده‌اند و بر خلاف بیشتر شاعران دوره‌های قبل هرگز برای دریافت صله و مقامی دست به قلم نمی‌بردند. وجه اشتراک آنها استفاده از مضامینی چون دفاع مقدس، ستایش اهل بیت (ع)، امام خمینی (رض)، توصیف زن؛ وطن، انتظار و مبارزه با استبداد را به تصویر کشیدند در جای جای اشعارشان، ارزشها و مفاهیم انقلابی اسلامی به چشم می‌خورد.

نگاه سپیده کاشانی نگاه مذهبی، جهادگرانه و آرمان‌گراست او جنگ و دفاع از آرمان‌های انقلاب را مقدس و خود را در قبال تمام مسلمانان مظلوم جهان مسئول و متعهد می‌داند و رسالت انقلاب را مبارزه با استکبار و استعمار می‌داند و به آرمان‌های انقلاب اسلامی ایمان دارد او ناسیونالیست نیست، درد زنان آواره نوحه‌های مادران شهید نوحه همچنین احساسات مذهبی در قلم او ساری و جاری است. سروده‌های سپیده که به تهییج و تحریک رزمندگان اختصاص دارد با تکیه بر فرهنگ عاشورا و ترسیم ارزش‌های شهادت و به یاد آوردن ارزش فداکاری و ایثار با تکیه بر آیات و روایات رزمندگان را در برابر دشمن فرا می‌خواند. اشعار کاشانی ساده و روان است او به مفهوم شعر توجه دارد و اشعارش نوعی واقع‌نگاری ایام و روزگار خویش و به بیانی با شرایط روز جامعه هماهنگ است.

اشعار سیمین دخت وحیدی بیشتر رنگ و بوی حماسی و ایثار دارد و کمتر شاعری اینهمه در شعرش به مقوله‌ی جنگ پرداخته است زبان شعر سیمین دخت وحیدی بسیار لطیف و دلنشین است خواندن شعرهای دفاع مقدس او موجب ملال و خستگی فکر و روح نمی‌شود شعرهای او مانند مرور تاریخ است با لطافت شعری لذتبخش و وحیدی حالت‌ها و مکان‌ها را با استادی توصیف کرده است چنانکه به نظر می‌رسد و از نظر همه چیز را در مورد دفاع مقدس تجربه کرده و آنها را با استفاده از زبان لطیف و نرم غزل به تصویر کشیده است و یا حکایتی از جنگ را در بیت‌های مثنوی به هم پیوند زده است ترکیب‌های شعری این دو بانو را می‌توان به این ترتیب دسته‌بندی کرد: ترکیب‌های لطیف و تازه، مفاهیم و معانی مربوط به جنگ، واژه‌های مشترک دفاع مقدس مانند لاله خون شهید شهادت اسامی خاص مذهبی و رزمندگان ایران هنرنمایی در قالب‌های مختلف شعر سنتی توجه به مفاهیم مذهبی و آیه‌ها و حدیث‌های دین مبین اسلام تشویق و ترغیب رزمندگان به مبارزه با دشمنان یاد و ذکر امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی توجه به مقام زن و مادر در دوران دفاع مقدس ابزار و وسایل جنگی توصیف جانبازان و اسرا و آزادگان، اما وحیدی واژه‌های مربوط به دفاع مقدس را بیشتر گسترش داده است مثل گلهای ارغوان، یاسمن و غیره را نیز نمادی از شهید گرفته است، وحیدی نام ابزار و وسایل جنگی را بیشتر آورده است، ذکر مکان‌ها و شهرهای جنگی در شعرهای وحیدی بیشتر است. مقام زن در شعر وحیدی بیشتر به چشم می‌خورد ضمن اینکه وی نیز مانند کاشانی الگوی زنان و مادران این دوران را حضرت زهرا به ویژه حضرت زینب سلام الله معرفی می‌کند وحیدی از امام خمینی به عنوان رهبری آگاه و بیدار یاد می‌کند که رزمندگان به واسطه پیام‌های ایشان در جبهه‌ها فعالان حضور یافته بودند در بیشتر شعرهای وحیدی روح حماسی وجود دارد و این عمده‌ترین تفاوت شعر این دو بانوی شاعر است حضور روح حماسی در شعر وحیدی است آوردن نام‌های فرماندهان دوران دفاع مقدس و سلحشوری‌های ایشان تاییدی بر لحن حماسی شعرهای وحیدی است او از دیده‌ها می‌گوید نه شنیده‌ها.

- امین پور، قیصر (۱۳۸۴) سنت و نوآوری در معاصر، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم.
- بیگی حبیب آبادی، پرویز (۱۳۸۶) حماسه های همیشه، تهران، فرهنگ گستر، چاپ اول.
- داد، سیما (۱۳۸۲) فرهنگ اصطلاحات ادبی، تهران: مروارید، چاپ اول.
- زرقانی، سید مهدی (۱۳۸۴) چشم انداز شعر معاصر ایران، تهران، ثالث، چاپ اول.
- سنگری، محمدرضا (۱۳۸۰) نقد ادبیات منظوم دفاع مقدس، جلد ۱ و ۳، تهران، انتشارات پالیزان، چاپ اول.
- کاشانی، سپیده (۱۳۷۵) حکایت آنان که بقا را در بلا دیده اند، تهران، دفتر ادبیات و هنر و مقاومت، چاپ اول.
- _____ (۱۳۷۳) سخن آشنا، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول
- _____ (۱۳۵۹) پروانه های شب، تهران، پدیده.
- کاکائی، عبدالجبار (۱۳۸۰) بررسی تطبیقی موضوعات پایداری در شعر ایران و جهان، تهران: پالیزان، چاپ اول.
- وحیدی، سیمین دخت (۱۳۷۸) گزیده ادبیات معاصر: مجموعه شعر، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
- _____ (۱۳۸۶) داستان اشراقی، تهران، عروج، چاپ اول.
- _____ (۱۳۷۵) حس می کنم زندگی را، تهران، اسوه، چاپ اول.
- _____ (۱۳۷۵) موج های بیقرار، تهران، حدیث، چاپ اول.
- _____ (۱۳۸۱) هشت فصل سرخ و سبز تهران، برگزیتون، چاپ اول.
- مکارمی نیا، علی (۱۳۸۴) بررسی شعر دفاع مقدس، ورامین، ترفند، چاپ دوم.
- یاحقی، محمدجعفر (۱۳۸۸) فرهنگ اساطیر و داستان واره ها در ادبیات فارسی، تهران، فرهنگ معاصر، چاپ دوم.
- نشریه ها
- وحیدی سیمین دخت، ۱۳۷۵، گفتگو با سیمین دخت وحیدی، روزنامه سلام، تهران، سال ششم، شماره ۱۴۹۸، صفحه ۷.
- _____، ۱۳۸۳، شاعر، پژواک صادق بیم ها و امیدها؛ روزنامه قدس، تهران، سال ششم، صفحه ۵.

- اکبری، منوچهر، عچرش، خیریه، احمدی، علی، (۱۳۹۴)، مقاله: (جلوه های پایداری در اشعار فدوی طوقان و سپیده کاشانی)، نشریه ادبیات پایداری، دوره بهار و تابستان، شماره ۱۲.
- باوان پوری، مسعود، ابراهیمی، الهام، (۱۳۹۸) مقاله: (مؤلفه های پایداری در شعر طاهره صفارزاده و سپیده کاشانی)، نشریه ادبیات دفاع مقدس، دوره بهار و تابستان، شماره ۴.
- صادق زاده، محمود، (۱۳۹۰)، مقاله: (بررسی ویژگی های سبکی و تحلیلی محتوایی شعر سپیده کاشانی)، نشریه مطالعات نقد ادبی، دوره بهار. شماره ۲۲، ص ۵۴-۳۵.
- لک، منوچهر، (۱۳۸۴) مقاله: (درآمدی بر شناخت اسطوره و تبیین کارکردهای هویت بخش آن در شعر جنگ)، نشریه مطالعات ملی. دوره پائیز، شماره ۲۳، ص ۸۴-۶۳.